توانش ارتباطی قرآن و نهج‌البلاغه

درباره گفتار مذهبی که مسعود پزشکیان در برنامه‌های انتخاباتی خود ارائه کرد

علیرضا اشتری تفرشی
استاد الاهیات دانشگاه علامه طباطبایی(ره)

صرف‌نظر از نزاع دیرپای میان باورمندان به سیاست دینی و سکولارهای قائل به جدایی این دو، نمی‌توان انکار کرد که دین و سیاست همواره در عالم واقع و در طول تاریخ، نقاط مشترک و همزیستی قریبی با یکدیگر داشته‌اند. از میان این نقاط اشتراک، قطعاً زبان میدان‌دار اشتراکات میان دین و سیاست بوده است. با زبان و خطابه بوده است که بسیاری از ادیان هویت خویش را تبیین کرده‌اند و با زبان بوده است که اهل سیاست اهداف و دستاوردهای دولت خویش را اعلام نموده‌اند.

انتخابات چهاردهین دوره ریاست جمهوری ایران با پیروزی دکتر مسعود پزشکیان، شاید بتواند از جنبه‌ای زبان‌شناختی، نمونه‌ای دیگر از پیوند زبان دینی با زبان سیاسی به شمار آید. تقریباً همه کسانی که مناظرات و مستندات تبلیغی کاندیداها را دنبال می‌کردند، از یک پدیده آگاه و یا بدان، حتی در میدان مناظرات دونفره کاندیداها، اذعان داشتند: کاندیدایی که در نظرسنجی‌ها معمولاً جلوتر بود و پیروز هر دو دور انتخابات شد، پزشکی بود که آیات قرآن و جملاتی از نهج‌البلاغه را نه صرفاً به تبرک در آغاز سخن، بلکه ذهنی و با تکیه بر حفظیات در گلوگاه‌های مناظرات و تبلیغات انتخاباتی بیان می‌کرد و می‌کوشید خطوط اصلی دیدگاه‌های خود را با کمک این بینامتنیّتهای دینی تبیین کند (بینامتنیّت: Intertext یا اقتباس یعنی زمانی که پاره‌ای زبانی را به هدفی خاص از میان متنی یا گفتاری دیگر به میان متن یا گفتار خود دعوت می‌کنیم). حال سوال اینجاست: آیا این آیات و روایات بر توفیق سیاسی او تأثیر داشته‌اند؟ این تأثیر چگونه بوده است و در جامعه ایرانی با ویژگی‌های خاص دینی و فرهنگی چگونه قابل تفسیر است؟

شاید پاسخ به این پرسش‌ها نیازمند تحقیقات دیگری باشد که بخشی از آن را راقم این سطور مشغول است، اما در بیانی کوتاه می‌توان در این مقال چنین عرض داشت که گزیده‌های قرآنی و روایی مسعود پزشکیان بینامتنیّتی شفاهی از متون دینی بودند که بر توانش ارتباطی او، یا قدرت ارتباط برقرار کردن او با مخاطب، آثار مثبتی داشته است.

همچنان که اشاره شد، دین و سیاست هر دو وجوه غالب و مهم زبانی دارند، با زبان آشکار می‌شوند و در زبان دست به آفرینش مفاهیم جدید می‌زنند و در چرخه‌ای دائم این پویش ادامه می‌یابد. امروزه، مناظرات و مستندات انتخاباتی بخشی از جولانگاه زبانی سیاست به شمار می‌آیند. مفاهیم و واژگان آنان می‌تواند در جامعه برانگیختگی فکری-شناختی و متعاقباً کنشگری سیاسی یعنی مشارکت در انتخابات را ایجاد کند. البته به همین میزان که زبان مناظرات و مستندات سیاسی به کنشگری سیاسی می‌انجامد، محتوای این برنامه‌ها خود وامدار زمینه سیاسی بیرونی یعنی زبان و اجتماع بیرونی سیاسی شده است، به نحوی که مخاطبان آنان در زمان نگاه کردن به این برنامه‌ها، از پیش، زمینه‌های زبانی، فکری، فرهنگی، دینی و سیاسی خود را به همراه آورده‌اند و اساساً آن زمینه‌ها بوده است که باعث شده تا مخاطب به این برنامه‌ها توجه کند. پس همچنان که دل هایمز (Dell Hymes)، طراح مفهوم توانش ارتباطی (CommunicationAbility) به اهمیت زمینه در زبان اشاره دارد، در اینجا نیز باید به زمینه توجه داشت. مخاطبان پزشکیان قطعاً همگی یک زمینه یکسان دینی، سیاسی و شناختی نداشته‌اند؛ مثلاً همه مسلمان شیعه، با باورها و شناخت‌هایی یکسان از دین یا مراتب دین‌باوری یکسان نبوده‌اند و حتی باید توجه داشت که همه این افراد جملات عربی آیات قرآن و روایات نهج‌البلاغه را به یک اندازه درک نمی‌کردند. پس به فرض اثرگذاری مثبت این جملات دینی در مخاطب، باید اذعان داشت که این اثرگذاری از مسیرهای فرا زبانی، یا زمینه‌ای نیز روی داده است. حال باید پرسید این مسیرها چه بوده است؟ به نظر می‌رسد اثرگذاری آیات و روایات در توانش ارتباطی منتخب چهاردهم ریاست جمهوری اسلامی ایران، باید از سه مسیر فرا زبانی نیز روی داده باشد:

۱ توانش سیاسی: این توانش به‌عنوان جزئی از توانش ارتباطی، احتمالاً از طریق نخبگان سیاسی-فرهنگی جامعه ایرانی اتفاق افتاده است. این نخبگان می‌توانند شامل اهالی سیاست، استادان دانشگاه‌ها، چهره‌های مذهبی، پژوهشگران، مترجمان، اصحاب قلم و هنر، معلمان و طیف‌های متنوعی باشند که اکثراً کانون‌های بینامتنی (Intertext) آیات و روایات در برنامه‌ها را درک می‌کردند و احتمالاً بیشتر از سایر اقشار نیز با زبان عربی آشنایی داشتند؛ البته شکی نیست که نخبگان همسو با دیدگاه‌های هر یک از کاندیداها تنها بخشی از نخبگان جامعه را تشکیل می‌داده و احتمالاً نخبگان همسو با هر یک از کاندیداها، از قبل زمینه سیاسی نزدیکی به کاندیدای خود داشته‌اند و از نظر سیاسی به جریان، گفتمان و کل مجموعه تبلیغی کاندیدای خود احساس هم‌جریانی کرده بودند؛ حال، این بینامتنها بر برانگیختی کنشگرانه نخبگان همسو با پزشکیان می‌افزود و آنان را وارد عرصه اثرگذاری فعال سیاسی در جریان انتخابات می‌کرد و اثرگذاری آنان به‌فراخور توان نخبگانی اجتماعی مدام در دیگران حلقه‌های مرتبط اثرگذار می‌ساخت که ممکن بود از طریق گفت‌وگو، رسانه‌های جمعی و... اتفاق افتد.

۲ توانش فرهنگی: این توانش مجموعه متنوعی از عناصر فرهنگی و شناختی را شامل می‌شود؛ این توانش بافتاری اثرپذیرفته از بسیاری زمینه‌های متنوع شناختی است، مانند نحوه لباس پوشیدن کاندیدا، نوع بیان (خودمانی یا رسمی صحبت کردن؛ مثال زدن؛ رفتارها و زبان بدن و صورت) و نیز بافتار شغلی یا مهارتی کاندیدا که در مورد دکتر پزشکیان به عنوان یک پزشک، آن هم در جامعه‌ای که از ایران باستان تاکنون، پزشک جایگاهی قابل اعتماد، تشخیص‌دهنده و مسبّب برای مداوا داشته است، می‌توانست ضریب عمیق‌تری پیدا کند؛ مثلاً فراموش نکنیم حتی در فرهنگ عمومی ایران، مداوا را گاه به «دست خوب یا دست سبک» پزشک یعنی مجموعه‌ای از عناصر زمینه‌ای غیرقابل لمس و توصیف تعبیر کرده‌اند. عنصر بسیار مهم دیگر، موضوع اصلی تعلق بینامتنیّتهاست یعنی دین. دینداری حتی در اشکال غیر بروزیافته و غیرمتشرعانه در جامعه ایرانی، امری بسیار حائز اهمیت است. به طور کلی، بسیار گمراه‌کننده است اگر فکر کنیم که بینامتنیت قرآنی و روایی رئیس جمهور منتخب، در توانش فرهنگی کلام او کم‌تأثیر بوده است؛ از این رو، همچنان می‌توان در لایه‌های عمیق شناختی، اثرگذاری دین در این گزینش سیاسی را شاهد بود.

۳ توانش زبانی: نباید مغفول ماند که زبان عامل اصلی ارتباط است. حتی اگر بخش بزرگی از جامعه مخاطب نتوانند ترجمه همزمان یعنی درک در لحظه از متن کامل آیات و روایات داشته باشند، اما نمی‌توان انکار کرد که هسته‌های مرکزی آیات و روایات نمی‌تواند برای جامعه ایرانی ناآشنا و ناملموس باشد. هسته‌های مرکزی در بینامتنیت‌ها واژگان اصلی دعوت‌شده از زبان مهمان (مثال‌های قرآنی یا روایی) به زبان میزبان (مجموع صحبت‌های ارائه‌شده از سوی کاندیدا) هستند. برای نمونه، در جایی که کارشناس از کاندیدا سوالی می‌پرسد و او آیات ۳۲ و ۳۳ سوره زمر را می‌خواند، سه بار واژه کلیدی «صدق» و دو بار واژه کلیدی «کذب» را به کار می‌برد. پس تکرار پنج‌باره صدق و کذب هسته‌ای مرکزی را تشکیل می‌دهد که انتظار می‌رود در جامعه ایرانی با دایره لغات مشترک بسیار با عربی و بافتار زمینه‌ای اسلامی، این واژگان به خوبی از نظر شناختی دوگانه «راستی- دروغ» را ترسیم کنند و کاندیدا را در دامنه شناختی گوینده راستی قرار دهند. این هسته‌های مرکزی در واژگان دیگری مانند «ظلم/ظالم/مظلوم» و «وعده- عمل به وعده- تعهد و قول» در سایر موارد از سوی منتخب به‌واسطه آیات و روایات، به کار رفته‌اند و انتظار می‌رود این هسته‌های مرکزی نیز توانسته باشند اثر معنایی-شناختی بر مخاطبان مختلف گذاشته باشند، مثلاً کاندیدا را مدافع مظلوم یا طبقه مستضعف و متعهد به وعده‌های خود شناسایی کنند.

کوتاه سخن آنکه به نظر می‌رسد بهره‌گیری از آیات و روایات در برنامه‌های رئیس جمهور منتخب، از سه مسیر توانش‌های سیاسی، فرهنگی و زبانی، به بخشی از توانش ارتباطی کاندیدا با رأی‌دهندگان کمک کرده باشد، به نحوی که در ساحت‌های شناختی آنان، وی را منطبق با انتظارات سیاسی، دینی و معیارهای صداقت و باورپذیری فرهنگی و مفاهیم جلب‌کننده اعتماد تشخیص داده و قانع به کنشگری سیاسی، یعنی رأی دادن به او شده باشند. از این رو، می‌توان انتظار و اعتماد برگرفته از لایه‌های حتی کمتر بارز دینی و فرهنگی را دو وجه مهم شناختی در ارائه بخشی از این آراء به منتخب چهاردهم در نظر گرفت و این دقیقاً نقطه‌ای است که مسئولیت رئیس جمهور منتخب و دولت او را در مسیر کارآمدی بیش از پیش حساس و خطیر خواهد ساخت؛ باورمندان به صداقت‌های عملی و زبانی کاندیدا، حتی اگر کنش‌های واضحی از خود نشان ندهند، طی سال‌های آتی، کدهای شناختی خود از عملکرد دولت او را به مرور و از زوایای مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و اجتماعی دریافت خواهند داشت و حتی اگر آگاهانه بیان و یا حتی خود بدان توجه نکنند، در لایه‌های شناختی اذهان، براساس میزان رضایتمندی از شرایط، به میزان موفقیت در انتخاب خود، امتیاز خواهند داد و مجموعه این امتیازات، لایه‌های شناختی جدیدتری را فراهم خواهد کرد که در دوره‌های بعدی کنش‌های سیاسی جامعه اثرگذار خواهد بود، از همین رو، امید است مجموع شرایط با بهترین‌ها برای جامعه ایرانی و توفیقات دولت آینده رقم بخورد.

ادامه سرمقاله

هر دو شکست فاحشی خوردند تا روز یکشنبه که آقای پزشکیان در مجلس چنین گفت: «این مردم عزیزی که آمدند علی‌رغم تبلیغاتی که می‌کردند که نیایند پای صندوق‌های رأی،... آمدند و مشت محکمی به دهان آدم‌هایی که از خارج و داخل نشسته بودند و تبلیغ می‌کردند، زدند.» مسئله کاملاً روشن است وی هیچ تعریضی نسبت به رای‌نداده‌ها نکرد. قبلاً هم پس از دور اول به‌صراحت گفته بود که ۶۰ درصد نیامدند و گفتند شما را قبول نداریم و ما همه شکست خوردیم. ولی این رفتار مردم فرق می‌کند با اینکه عده‌ای تمام‌قد برای تبلیغ علیه رای دادن وارد شوند. با وجود این، در دور دوم حدود ۱۶ درصد مردم نسبت به دور اول به رای‌دهندگان اضافه شدند (با احتساب ۶ درصدی که دور اول رای داده بودند و دور دوم شرکت نکردند). این ۱۶ درصد مخالفت جدی با تبلیغ‌کنندگان علیه مشارکت انتخاباتی کردند و این بسیار مهم بود و پاسخی به نسبت مؤثر و کوبنده علیه تبلیغاتچی‌هایی داخلی و خارجی علیه اصل مشارکت بود. حال این جمله و گزاره روشن را به مستمسکی علیه پزشکیان تبدیل کرده‌اند که چرا علیه رای‌نداده‌ها حرفی زده است؟ درحالی که هرکس متن را بشنود یا بخواند، متوجه می‌شود که این جملات علیه تبلیغاتچی‌های مخالف مشارکت بود و الا شاید در میان اعضای طرفداران رای به پزشکیان کسانی بودند که در دور اول و حتی در دور دوم از مجموعه رای‌نداده‌ها بودند و همه اینها نیز صادقانه و براساس فهم و وجدان خود رای ندادند و بسیاری از آنان نیز با دیدن نتیجه دور دوم خوشحال شده‌اند و آماده حمایت هستند و مهمتر از همه اینکه وظیفه پزشکیان احیای امر سیاست از طریق تامین نسبی خواست این افراد است. نحوه رفتار این دو گروه در تحریف سخنان و تخریب شخصیت و مواضع آقای پزشکیان نشانه اتحاد دوباره تندروهای داخلی با براندازان خارجی است. پزشکیان تاکنون نشان داده آن اندازه صداقت و شهامت دارد که اگر حرف نادرستی زد، پوزش بخواهد و آن را اصلاح کند؛ ولی این گزاره او خیلی دقیق بود و به هدف اصابت کرده است. البته تنها نکته‌ای که می‌ماند استفاده از کلمه «زدن مشت محکم» است که طبعاً این انتقاد وارد است و باید این نوع ادبیات اصلاح شود؛ ولی مضمون مطلب را نباید تحریف کرد.

گزارش یک

کیفرخواست استاد

تحقیقات قضایی درباره مؤسسه تحت مدیریت رائفی‌پور ادامه دارد

گروه خبر: خبرگزاری میزان -وابسته به قوه قضائیه- روز گذشته از صدور کیفرخواست برای سخنران جنجالی اصولگرا و ادامه تحقیقات قضایی درباره مؤسسه تحت مدیریت او خبر داد. میزان نوشت: «در پی انتشار مطالبی از سوی علی‌اکبر رائفی‌پور در فضای مجازی و گزارش ضابطین، پرونده‌ای با عنوان اتهامی نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و همچنین در قسمتی دیگر عملکرد مؤسسه مصاف تشکیل شد. پس از رسیدگی قضایی در مورد نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست صادر و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه ارسال شد. همچنین درباره مسائل مطروحه پیرامون مؤسسه مصاف نیز تحقیقات قضایی در این زمینه ادامه دارد و به محض رسیدن به نتیجه نهایی اطلاع‌رسانی صورت خواهد گرفت.» این کیفرخواست، براساس پرونده‌ای صادر شد که خردادماه امسال تشکیل شد. ۲۰ خرداد امسال میزان، از تشکیل پرونده برای رائفی‌پور و مؤسسه مصاف خبر داد و اعلام کرد که این فرد در پی گزارش ضابطین، از سوی دادستانی تهران با عنوان اتهامی نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، احضار شد.

آغاز سقوط

رائفی‌پور در جریان انتخابات مجلس به عنوان یک لیدر سیاسی و محور جریانی نوظهور به نام «جبهه صبح ایران» نقش‌آفرینی کرد و شمشیر را برای محمدباقر قالیباف، از رو بست. قوه قضائیه اعلام نکرد که این کیفرخواست به به دلیل افشاگری‌های رائفی‌پور و تیمش علیه قالیباف بوده یا نه؛ اما اظهارنظرهای کاربران شناخته‌شده تیم رائفی‌پور زیر توئیت مهدی کشت‌دار (مدیرعامل خبرگزاری میزان) نشان می‌دهد که حداقل طرفداران این سخنران جنجالی اصولگرا معتقدند پرونده مذکور به دلیل همان مسائل و افشاگری‌هاست. مسئله مؤسسه مصاف که در حال حاضر تحقیقات قضایی درباره آن جریان دارد اما به موضوعات مالی و اتهام پولشویی مرتبط است. البته مسائل مالی مصاف هم در جریان همین درگیری‌های درونی اصولگرایان مطرح شد.

اسناد مربوط به نقل و انتقال‌های مشکوک از/به حساب‌های مؤسسه مصاف و خانواده علی‌اکبر رائفی‌پور، از سوی جلیل محبی کارمند مرکز پژوهش‌های مجلس و از نزدیکان محمدباقر قالیباف منتشر شد. محبی در جریان درگیری‌های طرفداران رائفی‌پور و قالیباف، نقش مهمی در دفاع از رئیس مجلس و پاسخگویی به اتهامات تیم مصاف بازی کرد. تمام این فشارها و جنگ روانی جوابگو نبود و محمدباقر قالیباف رئیس مجلس دوازدهم شد. از همان زمان شنیده می‌شد که سقوط آزاد استاد آغاز شده. نقش‌آفرینی رائفی‌پور در انتخابات ریاست‌جمهوری، حمایتش از جلیلی و بردن ظرفیت مصاف پشت سر نامزد تندروها، او را بیشتر زیر تیغ هواداران قالیباف برد. از سوی دیگر، قالیبافی‌ها معتقدند که تخریب‌های رائفی‌پور و تیم مصاف علیه قالیباف در جریان انتخابات مجلس، یکی از دلایل ریزش آرای او در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری بود. حالا انتخابات ریاست‌جمهوری هم به پایان رسید و هرچند به طور رسمی اعلام نشده، احتمالاً رائفی‌پور باید پاسخگوی آن افشاگری‌ها و حرف‌هایش باشد.

موج انحلال

انتخابات ریاست‌جمهوری در اردوگاه اصولگرایی هنوز به پایان نرسیده است. آن‌ها همچنان به دنبال مقصر شکست‌شان هستند و نتیجه هر دو دور انتخابات، تمام تحلیل‌هایشان را به هم ریخت. بدبینانه‌ترین تحلیل‌های انتخاباتی حاکی از آن بود که در مشارکت ۴۰ یا زیر ۴۰ درصد، جلیلی پیروز می‌شود، اگر بالای ۵۰ درصد برود شانس قالیباف بیشتر است و در صورتی که به ۶۰ و بالاتر برسد، پزشکیان را به پاستور خواهد فرستاد. اما مشارکت ۴۰ درصدی دور اول، پزشکیان و جلیلی را به دور دوم فرستاد و در مشارکت ۵۰ درصدی، پزشکیان پیروز شد. طیف قالیباف به دلایل مختلف، رائفی‌پور را در این شکست مقصر می‌دانند. اول به خاطر اینکه نام او به عنوان یکی از پایه‌های عدم انصراف جلیلی مطرح است. دوم اینکه

نگاه حقوقدان

آغاز تفاهم یا استمرار تقابل؟

نگاهی به سوابق و مواضع گزارشگر جدید شورای حقوق بشر

آرش ملکی
پژوهشگر دکتری حقوق بین‌الملل

حقوق بشر به‌عنوان حقوقی بنیادین که انسان فارغ از تبعیض از آن‌ها برخوردار است و مؤلفهٔ حاکمیتِ دولت قادر به تحدید آن‌ها نیست از جایگاهی والا در جهانِ معاصر برخوردار است. این حقوق، در بازهٔ پس از جنگ جهانی دوم-به‌ویژه با صدور اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و انعقاد میثاقین حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)-در پرتو توسعهٔ کمّی و کیفی به چنان منزلتی دست یافت که در تاریخ جهان مسبوق به سابقه نیست. بند ۳ از ماده ۱ منشور ملل متحد نیز تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را از جملهٔ اهداف سازمان ملل متحد برمی‌شمارد. در نتیجه، حمایت از حقوق بشر در زمرهٔ اولویت‌های این سازمان تعریف می‌شود. با این وصف، هیچ‌کدام از ارکان اصلی سازمان ملل متحد مختصِ این حقوق نیست و پیگیری حقوق بشر در سطح ارکان فرعی صورت می‌پذیرد. گفتنی است در حال حاضر، نظام ملل متحد در قالب دو نظامِ منشور محور و معاهده محور اهداف حقوق بشری خود را دنبال می‌کند. یکی از نهادهای منشور محور، شورای حقوق بشر ملل متحد (United Nations Human Rights Council) است که از مارس ۲۰۰۶ ذیل قطعنامهٔ ۶۰/۲۵۱ مجمع عمومی جایگزین کمیسیون حقوق بشر ملل متحد شد تا به ماموریت ترویج و حمایت از حقوق بشر ادامه دهد. شورای حقوق بشر یکی از ارکان فرعی مجمع عمومی است و چهل و هفت عضو دارد که از میان همهٔ اعضای سازمان ملل متحد و با رای اکثریت اعضای مجمع عمومی برای یک دورهٔ سه‌ساله انتخاب می‌شوند. این شورا، در راستای انجام وظایف خود سه سازِکار فعال دارد: ۱) آئین ویژهٔ گزارشگری، ۲) آئین ارزیابی دوره‌ای جهانی و ۳) تحقیقات مستقل. آئین ویژهٔ گزارشگری سازِکاری است متشکل از کارشناسانِ مستقل حقوق بشر که ذیل تقسیم‌بندی موضوعی (۴۶ موضوع) یا جغرافیایی (۱۴ کشور) به ارائهٔ توصیه و گزارش مبادرت می‌ورزند. ارتقای حقوق بشر در شرایطی محقق می‌شود که تغییر قوانین و سیاست‌ها، بهبود شرایط دسترسی به سازِکارهای جبران خسارت، تعیین معیارهای حقوق بشری، ارتقای آگاهی حقوق بشری، تسهیل گفت‌وگو میان دیدگاه‌های مخالف و تعیین تدابیر پیشگیری از نقض حقوق بشر امکان‌پذیر باشد و این کارشناسان مستقل در این راستا کوشش می‌کنند. گفتنی است فعالیت این کارشناسان بدون دریافت حق‌الزحمه است و ماموریت آنها در یک دورهٔ سه‌ساله (با قابلیتِ یک دوره تمدید) انجام می‌شود. همچنین، معیارهای انتخاب این کارشناسان عبارتند از تخصص (به‌ویژه در زمینهٔ ماموریت محوله)، استقلال، بی‌طرفی، صداقت و مسئولیت‌پذیری. ایران در زمرهٔ کشورهایی است که زیر ذره‌بین شورای حقوق بشر است که از پنجمین سال تأسیس این شورا تاکنون، گزارشگرانی پیوسته به ارزیابی وضعیت حقوق بشری ایران مبادرت ورزیده‌اند. نخستین گزارشگر ویژهٔ ایران احمد شهید، دیپلماتی از کشور مالدیو بود که از ژوئن ۲۰۱۱ تا نوامبر ۲۰۱۶ در این سِمت به فعالیت پرداخت. جانشین او، عاصمه جهانگیر پاکستانی بود که در فوریه ۲۰۱۸ و حین انجام ماموریت درگذشت. سومین گزارشگر ویژه جاوید رحمان، حقوقدانی از همان کشور بود که از ۷ جولای ۲۰۱۸ عهده‌دار این سِمت است و ماموریت او ۳۱ جولای سال جاری میلادی (۱۰ مرداد ۱۴۰۳) به پایان می‌رسد و خانم مائی ساتو (Mai Sato) از ژاپن جانشین ایشان خواهد شد. خانم ساتو، ۴۳ ساله و ساکن استرالیا است. در رشتهٔ حقوق تحصیل کرده و در سال ۲۰۱۱ موفق شد در گرایش حقوق کیفری از کینگز کالج لندن درجهٔ دکتری اخذ نماید. در ژاپن، انگلستان، آلمان و ترکیه به تحقیق و پژوهش پرداخت و از سال ۲۰۲۰ نیز به عنوان عضو هیئت علمی در دانشکدهٔ قانون‌گذاری و حکمرانی جهانی دانشگاه موناش (استرالیا) در حال فعالیت است. تخصص اصلی وی، یکپارچه‌سازی نظام‌های قضایی با محوریت مجازات اعدام است. همچنین، همکاری با سازمان‌های غیردولتی و دولت مالزی در زمینهٔ اصلاح نظام قضایی این کشور از جمله سوابق حرفه‌ای ایشان است. ایشان پیش از انتخاب به عنوان گزارشگر ویژه، اولویت‌های خود در مورد ایران را حقوق زنان و حق حیات با تأکید بر نظام قضایی ایران عنوان نمود. این انتخاب در حالی صورت پذیرفت که رابطهٔ میان دولت ایران و گزارشگران شورای حقوق بشر پیش از این هرگز مثبت نبوده. در طول این سال‌ها، ایران همواره ادعا نمود گزارش‌های مربوطه محصول غرض‌ورزی سیاسی هستند و بناست تحریم‌های ایران را تسهیل و توجیه کنند. ستاد حقوق بشر قوهٔ قضائیه-به‌عنوان متولی مسائل حقوق بشر در ایران-نیز پس از انتخاب ساتو با صدور بیانیه‌ای با عنوان «مای ساتو و جاوید رحمان؛ دو روی یک سکه» از ارتباط فراوان وی با انگلیس و قابل پیش‌بینی بودنِ گزارش‌های ساتو خبر داد. این در حالی است که انتخاب گزارشگر با سختگیری‌های متعدد در احراز پنج معیار فوق‌الذکر انجام می‌شود. در یک نگاه کلی، شرایط ارتقای حقوق بشر که پیش از این به آن اشاره کردیم جز با همکاری دولت میزبان میسر نیست و در صورتی که اراده‌ای از طرف دولت وجود نداشته باشد، پیشرفتی در ارتقای وضعیت حقوق بشری آن کشور صورت نمی‌پذیرد. حال باید دید آیا خانم ساتو خواهد توانست با گشودن باب گفت‌وگو و اتخاذ رویکردی متفاوت، رابطهٔ فیمابین دولت ایران و گزارشگران شورای حقوق بشر را تغییر دهد یا با توجه به موضع اخیر ستاد حقوق بشر قوهٔ قضائیه، در همچنان بر همان پاشنه خواهد چرخید؟ تدبیر خانم ساتو در این زمینه تعیین‌کننده خواهد بود.